

۱- کلم بروکسل ۲- کلم گل ۳- کلم پیچ ۴- کلم قمری

دانه کلم دارای ماده روغنی، میروزین و گلوکزیدهای مختلفی است که بر اثر تجزیه، اسانس گوگردی بوجود می‌آورند.

تاریخچه - پرورش انواع مختلف کلم به زمانهای ماقبل تاریخ نسبت داده می‌شود. یونانیان قدیم بدان بیشتر به صورت یک گیاه دارویی ارزنده توجه می‌نمودند و حتی درباره خواص آن، بتفصیل در زمانهای خیلی قدیم، مطالبی یادداشت شده است.

بقراط حکیم، مخلوط کلم پخته را با عسل، در رفع قولنج و دیسانتری مؤثر ذکر کرده است. اطباء قدیم مانند جالینوس حکیم، معتقد بودند که از کلم بیشتر در استعمال خارج باید استفاده درمانی بعمل آورد.

جالینوس حتی مصارف داخلی نوع وحشی کلم را در مداوای بیماریها منع نموده بود. کلم به خلاف گفته حکمای قدیم، در نزد بعضی ملل به صورت سبزی خوردن مصرف داشته است. بعضی از دانشمندان قدیم مانند Caton معتقد بودند که مصرف آن باعث تسهیل عمل هضم و زایل شدن حالت مستی می‌گردد و اگر ترشی کلم (کلم با سرکه)، قبل از غذا مصرف شود اشتها را زیاد می‌کند و در بقای سلامتی و رفع حالت مایلیخولیائی مؤثر واقع می‌شود. این دانشمند، خواص درمانی بسیاری برای کلم قائل بود که بعضی از آنها مورد قبول دانشمندان قرون بعدی نیز قرار گرفت مانند آنکه Matthiolo در سال ۱۵۵۴، کلم را در رفع حالت مستی مؤثر ذکر کرده و حتی چنین اظهار داشته بود که در آلمان عقیده دارند که با مصرف کلم، کلیه مضار مصرف شراب در بدن از بین می‌رود.

دکتر روک Dr. Roques در سال ۱۸۳۲ اعلام داشت (۱): با آنکه کلم مورد نفرت اطباء قرار دارد مع هذا باید آنرا یکی از بهترین گیاه ضد اسکوربوت دانست و در این مورد اظهار داشته که ازین ۱۱۸ نفر کارگران کشتی کاپیتان کوک C. Cook، که در تمام مناطق آب و هوایی به مدت ۳ سال با او به مسافرت میکردند، هیچیک از آنها به علت ابتلاء به بیماری، ازین نرفتند و علت آنرا مربوط به خواص درمانی فوق العاده کلم ذکر نمود که همیشه در کشتی وجود داشته و در معرض استفاده کارگران بوده است و آنان را از ابتلاء به سرما خوردگی، نزلهای مختلف و لارنژیت حفظ می‌نموده است. دکتر روک، برای عدم ابتلاء به بیماریهای مذکور مصرف کلم را به صورت زهر توصیه نموده است:

مقدار ۵۳ گرم (یک لیور) شیره صاف شده کلم، ۳ گرم زعفران، ۳۲ گرم عسل یا قند را در ظرفی بجوشانند به طوریکه مخلوطی به غلظت شربت به دست آید. مصرف یک قاشق سوپخوری از این شربت، مخلوط در یک فنجان چای، اثر نرم کننده مفید در رفع بیماریهای مذکور ظاهر می‌کند.

خواص درمانی - کلم دارای اثر محرک ملایم ضد اسکوربوت است. از معایب آن این است که پس از مصرف مخصوصاً اگر زیاد خورده شود، ایجاد نفخ می کند. مصرف آن در التهاب و ورم دستگاه هضم اثر نیکویی بخشد مشروط بر آنکه به صورت قابل هضم (Choucroute) بکار رود. Dr. Kerambrun در سال ۱۹۲۶، از گل کلم پخته در آب، مخلوط با کمی نمک و فلفل، در رفع دیسنتری های ساده، نتایج مطلوب بدست آورد. جوشانده کلم برگ، سابقاً در مداوای برونشیت های حاد و مزمن، نزله های ششی، سرفه، مراحل اولیه سل، سنگ کلیه و غیره بکار می رفته است. کلم دارای ویتامین C فراوان است و از این لحاظ در رفع عوارض اسکوربوت اثر مفید دارد. قطعیت اثر درمانی کلم در نزله های مجاری تنفسی، مورد تأیید Dr. Cazin که مطالعات ارزنده در درمان بیماری های مختلف با گیاهان داشته، بوده است زیرا مشاهدات متعدد این دانشمند نشان داده بود که حتی برونشیت های مزمن با مصرف کلم برگ (به صورت خام یا سوپ آن) از بین می رود مشروط بر آنکه این عمل برای مدت نسبتاً طولانی در حدود ۲ ماه ادامه یابد.

Dr. H. Leclerc از آزمایشهای متعدد خود این نتیجه را بدست آورد که مصرف آب کلم پیچ به مقدار ۲ تا ۳ گرم، اثر ضد کرم آسکاریس بطور نسبتاً محسوس در اطفال دارد. در استعمال خارج، شیره برگ کلم و یا جوشانده غلیظ آن، اثر التیام دهنده اولسره های واریسی و زخمهای مختلف دیگر دارد. برگ کلم را اگر قبلاً کمی حرارت دهند تا حالت نرمی خاص پیدا نماید و سپس آنرا بر روی محل دردناک در دردهای رماتیسمی، نقرس، درد پهلوی (Macé در سال ۱۸۸۴) و حتی سیاتیک قرار دهند، اثر مفید در رفع ناراحتی های آن ظاهر می کند (Dr. H. Leclerc در سال ۱۹۲۱).

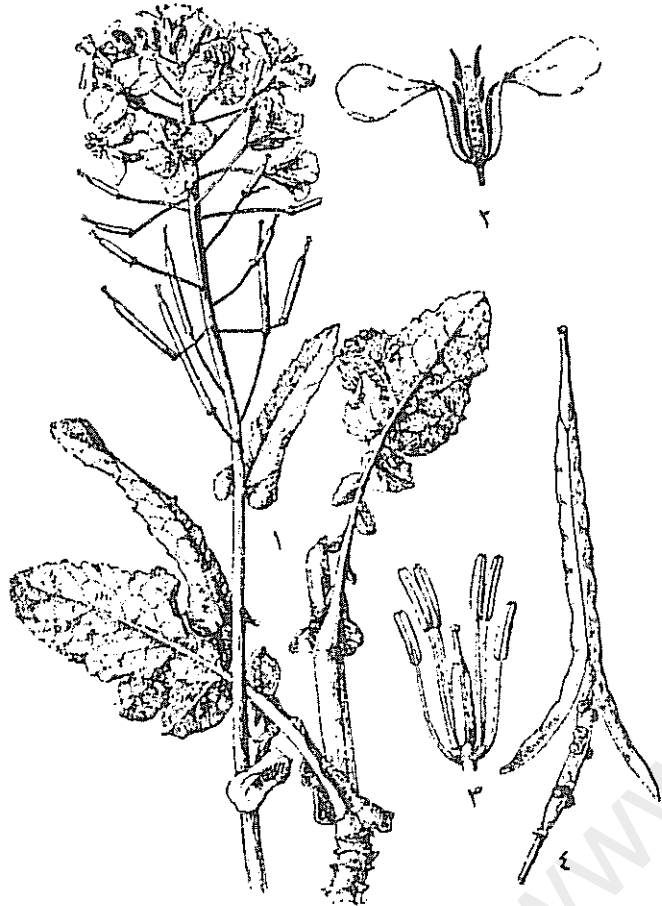
برگ کلم قرمز در رفع سوختگی ها، سرمازدگی، بواسیر، آبسه و غیره نیز اثر مفید دارد. کلم و واریته های مختلف آن از گیاهانی هستند که در غالب نواحی به منظور تغذیه پرورش می یابند.

Brassica Napus L.

فرانسه: Navet، Chou - navet، انگلیسی: Nape، Winter rape،
آلمانی: Raps، ایتالیائی: Navon - عربی: سلجم (Salgam)، لغت (Lift)
فارسی: شلغم

گیاهی علفی، دارای گلخانه کوچکتر از گونه قبلی و برگهای عاری از کرک است. میوه آن وضع فاصله دار از ساقه دارد. واریته های مختلف آن بتفاوت دارای ریشه متورم و یا ریشه ای با ضخامت کم ولی دراز و یا ظاهر مشخص اند.

مهمترین واریته آن *Var. oleifera DG.* می باشد که ریشه های باریک باتورم نسبتاً کم داشته و کولزا (Colza) نامیده می شود. ازدانه آن روغن استخراج می گردد (روغن کولزا Huile de colza). واریته دیگری از آن به نام *Var. esculantha DG.* (1) باریشه متورم وجود دارد که به مصارف تغذیه می رسد.

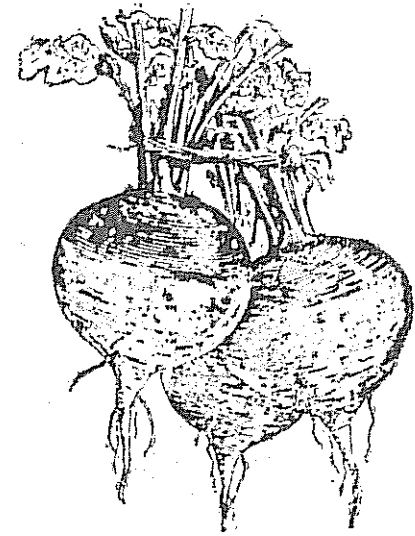
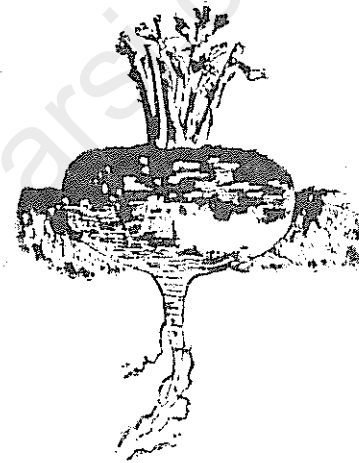


ش. ۷ - *Brassica Napus* L. ۱ - دو قسمت از گیاه گلدار ۲ - برش قائم گل ۳ - گل عاری از پوشش ۴ - میوه

خواص دارویی - ازدانه آن، معادل ۳ تا ۴ درصد روغن، شبیه روغن دانه کلم بدست می آید که اثر نرم کننده و ملین دارد. مصرف آن باعث پیشگیری قولنج های کبدی و کلیوی می گردد. برای این منظور می توان یک قاشق سوپخوری تا یک لیوان کوچک آن را مصرف کرد. در استعمال خارج از قدیم الایام برای التیام زخمها بکار می رفته است.

ریشه شلغم، اثر مدر، حل کننده املاح ادراری (اوراتها)، ضد اسکوربوت و نرم کننده دارد. در دفع سنگ کلیه (Bertholet)، نقرس و التهاب ممانه اثر درمانی ظاهر می کند بعلاوه در رفع چاقی موثر است.

از شلغم به صورت جوشانده های غلیظ (۱۰ درصد در آب) مخلوط با عسل ولی برای اطفال به صورت شربت، استفاده می شود (مشابه ریشه ترب). برای تهیه این شربت، ریشه ضخیمی اختیار کرده، حفره بزرگی به حجم یک فنجان در داخل آن بوجود می آورند. سپس سوراخی در قاعده حفره به نحوی ایجاد می کنند که اگر آب در حفره ریخته شود، به صورت قطرات کوچک و بتانی از



ش ۷۱ - ریشه دو نوع شلغم

آن خارج گردد. پس از انجام این کار، در حفره مذکور مقداری قند کوبیده می ریزند و آنرا در دهانه ظرفی جای می دهند. در طی چند ساعت، شربتی محتوی مواد موثر ریشه به صورت قطراتی از راه سوراخ مذکور به داخل ظرف وارد می گردد که به عنوان خلط آور و به مقدار یک قاشق، چند دفعه در روز به اطفال داده می شود. جوشانده ۱۰ درصد ریشه گیاه نیز که در آب یا شربت تهیه شده باشد مصرف دارد.

راه دیگر استفاده از این گیاه آن است که ریشه آنرا رنده کرده با هموزنش عسل یا قند در ظرفی بپزند. مصرف روزانه مقدار کمی از شلغم خام، در دفع آگزاسوئر واقع می شود. در استعمال خارج، جوشانده های غلیظ آن به صورت ضماد برای تسکین دردهای مصلی،

نقرس، آبسه ها، سرمازدگی و غیره بکار می رود. ریشه شلغم که با پوست درختنور پخته شده باشد، و قطعات آن پس از سرد شدن، بر روی پوست بدن، اثر داده شود به طوری که شیره آن بر روی پوست مالیده شود، در دفع سرمازدگی موثر واقع می گردد. این گیاه در نواحی مختلف پرورش می یابد.

گونه دیگری از آن به نام *Brassica Rapa (L.) Metz.* وجود دارد که آن نیز دارای دو وارته به نامهای گیاه قبلی، یکی باریکه و دیگری باریکه ضخیم و متورم است. وارته مولد روغن آن، ریشه ای غیر متورم ولی وارته دیگر، ریشه های متورم داشته به معارف تنذیه می رسد. از ریشه متورم آن مانند گیاه قبلی در طب عوام استفاده بعمل می آید. در نواحی مختلف پرورش می یابد.

* *Diplotaxis tenuifolia (L.) DC.*

Sisymbrium tenuifolium L. ، *Eruca tenuifolia Moench.*

فرانسه : *R. fine* ، *Roquette jaune* ، *Diplotax sauvage* ، *Roquette sauvage* ؛

انگلیسی : *Wall rocket* ، *Wild rocket* ؛ آلمانی : *Schmalblättriger Doppelsame* ؛

ایتالیائی : *Rucole* ، *Rucola-mala* ، *Ruchetta salvatica* ، *Ruccola* ، *Ruca* ؛

عربی : جرجیربری (*Gargir barrf*)

گیاهی چندساله، دارای ساقه ای با قاعده چوبی و به ارتفاع ۳۰-۸۰ سانتیمتر است. در ایران نمی روید. در نواحی مختلف اروپای غربی، مرکزی و جنوبی و همچنین در قفقاز، آسیای صغیر و شمال آفریقا پراکندگی دارد. از مشخصات آن این است که تقریباً بی کرک و دارای برگهایی به رنگ سبز مایل به آبی است و اگر برگهای آن در بین انگلستان دست فشرده شود، بوی ناپسند از آن استشام می گردد و این حالت مخصوصاً در برگهای واقع در قاعده ساقه، محسوس تر است، محل رویش این گیاه بیشتر در کنار جاده ها، روی دیوارها، اماکن سایه دار و گودالها، مخصوصاً در زمینهای آهکی می باشد. برگهای آن دارای بریدگیهای عمیق و گلکهای آن به رنگ زرد گوگردی با بویی معطر است. در سیوه خورجین و یاریکه آن، دانه های کوچک و متعدد جای دارند.

گلکهای معطر این گیاه نوش کافی ندارد از این جهت زنبور عسل به سمت آن جلب نمی گردد. ترکیبات شیمیائی = دارای انسانی مرکب از بوتیلین *butyline* ، سولفورایل *(sulf. allyle)*، نوعی سولفورید و کربوردار و ماده ای به نام *دیپلو تاکسیلین diplotaxyline*، (طبق بررسی های *Ch. Pottiez* در ۱۹۲۱) می باشد.

خواص درمانی - قابض، نیرو دهنده، ضد اسکوربوت، تصفیه کننده خون و مدر است. دانه آن اثر قرمز کننده پوست بدن دارد و می تواند به جای دانه خردل بدین منظور مورد استفاده قرار



ش ۷۲ - Brassica Rapa : قسمت های مختلف گیاه کامل (اندازه طبیعی)
گل (زیر ذره بین Hallier)

گیرد. طعم دانه آن تند است. جوشانده ساقه برگدار گیاه، اثر تسکین دهنده سرفه دارد و گرفتگی صدا را از بین می برد و اگر در موارد برونشیت مصرف شود، باعث خروج اخلاط از سینه می شود. با مصرف آن، نزله های برونشی درمان می گردد و ترشحات ادرار افزایش می یابد ضمناً ورم ناشی از آب آوردن بدن و همچنین ناراحتی های پوستی و بالاخره ورم غدد لنفاوی درمان می پذیرد. قندماز برگ این گیاه سابقاً نوعی شربت باطعمه مطبوع تهیه می نمودند و از آن، برای رفع اسکوربوت و عوارض آن نتایج بسیار خوب بدست می آوردند (Moquin - Tandon). دارای اثر قوی تصفیه کننده خون است و بعلاوه در درمان رماتیسم مؤثر واقع می گردد (H. Cazin).

صور دارویی - دم کرده و یا جوشانده . ۵ گرم گیاه در یک لیتر آب جوش قنددار به مقدار سه فنجان در روز - الکلاتور . ۱ درصد به مقدار . ۲ قطره در یک دم کرده معطر - شربت حاصل از وارد کردن . ۱ گرم شیره تازه گیاه در . ۱ گرم شربت ساده و جوشاندن آن به حدی که مخلوط حاصل به . ۱ گرم تقلیل یابد (M. Ch. Pottiez).

باید توجه داشت که از گیاه مذکور همیشه به حالت تازه استفاده درمانی بعمل آید زیرا اعضای گیاه پس از خشک شدن، اختصاصات درمانی خود را از دست می دهد و یا این خاصیت در آن کاهش کلی پیدا می کند.

سیکستور خلط آور جهت درمان برونشیت مزمن

- | | |
|-------|---------------------------------|
| ۳ گرم | الکلاتور گیاه مذکور |
| » | - آنزلیک |
| » | - حشیشه الملوك (Tanacetum vul.) |

مخلول مذکور را به مقدار . ۲ قطره و - ۵ دفعه در روز ، مخلوط در آب یا در یک دم کرده نرم کننده سینه مصرف نمایند .

از آرد دانه گیاه مذکور می توان به جای خردل استفاده به عمل آورد .
این گیاه در ایران نمی روید .

از گونه های موجود در ایران ، **D. eruroides (L.) DC.** ، **Sinapis eruroides L.** را ذکر می کنیم که اثرات درمانی مشابه برای آن قائل اند . درباره گیاه اخیر هنوز مطالعات جدیدی که بتواند اختصاصات درمانی آنرا بتحقیق نشان دهد، بعمل نیامده است. این گیاه در منطقه مدیترانه، جنوب غربی آسیا منجمله ایران و شمال افریقا پراکندهگی دارد. ساقه آن به ارتفاع ۲ تا ۵ سانتیمتر می رسد. برگهای آن پوشیده از تار و گلکهای آن بزرگ است ولی بخلاف نوع قبلی،

رنگ سفید باتزییناتی از خطوط ظریف صورتی دارد.

محل رویش - نواحی غربی ایران، خوزستان: دزفول، دهلوران، پشت کوه و مهران.

* *Matthiola incana* R. Br.

Cheiranthus incanus L. ، *Hesperis violaria* Lam.

فرانس: Giroflée - rouge ، Violier ، Giroflée des jardins

انگلیسی: Common stock ، آلمانی: Levkoje ایتالیایی: Fior barco

عربی: منشوری، خیری اصغر

گیاهی علفی، پایا و دارای ساقه‌ای باقاعده چوبی و پرانشعاب است. در ایران نمی‌روید. در منطقه مدیترانه، افریقای شمالی و جزایر قناری پراکندگی دارد. محل رویش آن نیز بیشتر در شکاف سنگها و یا بر روی دیوارهاست. از نظر کلی، ظاهری بدرنگ روشن (تقریباً سفید) و گل‌هایی زیبا و بسیار معطر، به رنگ بنفش مایل به قرمز یا قرمز مایل به سفید دارد. بر روی ساقه آن که به طول ۳-۸ سانتیمتر می‌رسد، برگ‌های باریک و دراز با کناره موجدار، شبید برگ‌شب‌بو ظاهر می‌شود. میوه‌اش خورجین، دراز و دارای سطح ناصاف با برجستگی‌های محسوس و محتوی دانه‌های متعدد در یک ردیف است. دانه‌اش در فرم‌های متعدد گیاه، بر سه نوع زرد، قرمز و سفید می‌باشد.

خواص درمانی - دانه گیاه طعمی نسبتاً تلخ و اثری مقوی، مدر، خلط‌آور و مقوی معده دارد برای آن اثر مقوی باء نیز قائل‌اند. مصرف دانه گیاه به منظور رفع تب و درمان برونشیت‌های خشک معمول است. دم کرده آن در بعضی نواحی جهت معالجه سرطان (۱) مصرف می‌شود.

Hesperis matronalis L.

فرانس: Hesperide des jardins ، Julienne ، Giroflée des dames

انگلیسی: Sweet rocket ، Dame's rocket ، Queen's Gilli flowers

ایتالیایی: Viola matronale ، Giuliana ، Viola dell dame ، Girarda

آلمانی: Matronenblume ، Gemeine Nachtviole ، عربی: منسوب

گیاهی است علفی، زیبا، به ارتفاع ۴ تا ۶ سانتیمتر که منشأ اولیه آن، مناطق جنوب شرقی اروپا و آسیا بوده، از آنجا به سایر نواحی پراکندگی یافته است. از مشخصات آن این است

۱- چون در بعضی کتب دارویی جدید برخلاف اظهار نظرهای غیرمشابه، اثر ضد سرطانی با تردید، برای ترخون ذکر گردیده از این جهت مطالب زیر نویس صفحه ۱۰۳ جلد دوم این کتاب در چاپ سوم به صورت اخیر تصحیح می‌گردد.

(Valnet, J. Aromalherapie, pp. 190 - 191, 1982)

که برگ‌هایی بیضوی دراز و نونک تیز، با کناره دندانه دار و گل‌های درشت، برنگ یاسی یا سفید و گاهی مایل به زرد دارد. در هنگام شب نیز بوئی مطبوع از آن استشمام می‌گردد. میوه‌اش خورجین به درازای ۱-۲ سانتیمتر و دارای سطح صاف است. زنبور عسل، نوش بسیار خوب از آن بدست می‌آورد. به عنوان زینت نیز کاشته می‌شود.

قسمت مورد استفاده گیاه، بیشتر برگ‌های آن است.

ترکیبات شیمیائی - دارای مواد مختلف و یک گلوکزید گوگرد دار با اسانسی مشابه اسانس خردل است.

خواص درمانی - اطباء قدیم برای آن اثر مدر، نیرو دهنده، ضد اسکوربوت، معرق و خلط‌آور قائل بوده‌اند و عمل آنرا در بدن مشابه عمل بولاق اوتی (*Nasturtium officinale*)، *Tropaeolum majus* ، *Cochlearia* ها و *Cardamine* های دارویی ذکر نموده‌اند. سابقاً مخلوط شیر خالص گیاه را در شیر، به صورت یک داروی مؤثر جهت درمان نزله‌های ششی مزمن، آسم سرطوب، عوارض ناشی از کمبود ویتامین C در بدن، خنازیر، خیز عمومی بدن، ضعف عمومی ناشی از تب‌های نوبه و غیره بکار می‌برده‌اند.

دم کرده برگ گیاه و یا جوشانده آن در یک ظرف در بسته و یا خیسانده آن در شراب، به عنوان یک داروی اختصاصی جهت رفع ناراحتی‌های کلیه، دفع سنگ کلیه، بیماری‌های پوست و درمان آب آوردن بدن (هیدروویزی) بکار می‌رفته است. مصرف آن در آلومینوری‌های مزمن و سنگ کلیه، بدون آنکه ایجاد تحریک نماید توصیه گردیده است.

در استعمال خارج، دارای اثر قرمز کننده پوست بدن است. نیمکوب برگ تازه گیاه، دارویی مناسب جهت درمان تومورهای خنازیری (*T. scrofuloux*)، زخم‌های چرکین و عفانق‌رایی، با اثر شفا بخش می‌باشد ولی در هر حال باید توجه داشت که گیاه مذکور، اختصاصات درمانی خود را بر اثر خشک شدن از دست می‌دهد.

محل رویش - نواحی شمال شرقی ایران، زیارت در گرگان. گیلان: در کنار جویبارها و حاشیه جنگل‌ها، جنوب غربی رشت (Fl. Iran).

*** *Crambe maritima* L.** گیاهی علفی، پایا، به ارتفاع ۴-۶ سانتیمتر و دارای برگ‌های ضخیم است. در سازه‌زارهای سواحل دریای مانش و اقیانوس اطلس می‌روید. برگ‌های گوشتدار، به رنگ سبز مایل به آبی، غبار آلود و شبیه انواع کلم دارد. گل‌های آن کوچک به رنگ سفید یا سفید مایل به گلی و مجتمع به صورت کاپیتول یادیهیم مانند است. پلین (*Pline*) در آثار خود، از نوعی کلم نام برده که بنظر می‌رسد همین گیاه باشد. استفاده از آن در انگلستان رایج است. با پوشاندن مزارع این گیاه از یک قشر ۴-۵ سانتیمتری ماسه در فصل پائیز، جوانه‌های

آن در بهار، در زیر قشری از ساسه، (در محیط فاقد نور) رشد می کنند و شامل دسبرگ گوستدار، تزد و عاری از رنگ سبز می گردند و تدریجاً از زیر ساسه خارج می شوند. این جوانه های رشد یافته، از نظر درمائی، اثر التیام دهنده زخم و جراحات دارند. نام عربی این گیاه، **کرنب ابری** (Kurunb bar-i) است. در ایران نمی روید.

نوع دیگری از آن به نام *C. tatarica* Jacq. * است که در اروپای مرکزی و نواحی شمالی آسیای روید. برگهائی با بریدگیهای عمیق دارد. ریشه اش ضخیم، گوشتدار و دارای طعمی شبیه شلغم است.

Cardamine pratensis L.

C. sylvatica Bess. ، *C. nasturtioides* Schur.

فرانسه : *C. des prés* ، *Cresson sauvage* ، *Cardamine des prés* ، *Cressonnette* ؛

انگلیسی : *Weisen - Schaumkraut* ؛ آلمانی : *Milkmaid* ، *Cuckoo bitter - cress* ؛

ایتالیائی : *Crescione dei prati* ، *Nasturzio pratense* ، *Cardamina* ، *Billeri* ؛

گیاهی است علفی پایا و به ارتفاع ۱ تا ۱.۵ متر می رسد. در اواخر فروردین وارد بهشت دردشت هاگل می دهد. برگهای آن به دو صورت کاملاً متمایز و متفاوت از یکدیگر است.

برگهای واقع در قاعده ساقه آن، دسبرگی دراز و پهنکی منقسم به قطعات کوچک و مدور به وضع نامنظم، بایک قطعه بزرگ در انتها دارد ولی برگهای واقع در طول ساقه، عموماً عاری از دسبرگ و مرکب از برگچه های باریک در چند ردیف، بایک برگچه انتهائی است. گلهای آن که رنگ یاسی روشن دارد، در هنگام غروب آفتاب و مواقعی که هوا ابری و نامناسب است، بسته می شود. پراکنندگی آن به صورتی است که در غالب نواحی اروپا و آسیا تا ارتفاعات ۱۲۰۰-۲۰۰۰ متری یافت می گردد. سیوه اش خورجین و باریک و دارای ظاهری کاملاً مشخص است.

ترکیبات شیمیائی - ساقه و برگ این گیاه دارای گلوکزیدی به نام **گلو کوناستورین**

gluconasturtine و *phenylethylsénévol* می دهد. دانه اش نیز دارای *phenylethylsénévol* می باشد.

اثر درمائی این گیاه مربوط به اسانس گوگرداری است که بیشتر در اعضای هوائی و سبز

رنگ آن یافت می شود.

خواص درمائی - قسمت هوائی گیاه دارای اثر ضد اسکوربوت است. شیر تازه آن به مقدار ۳ تا ۱۰ گرم در لیتر، مخلوط در یک پوسیون یا در یک جوشانده به مقدار یک فنجان قبل از هر غذا به عنوان ضد اسکوربوت، رفع بیماریهای مزمن پوست و آب آوردن مصرف می شود. دم کرده یا جوشانده ۳ تا ۵ در هزار آن نیز در رفع عوارض اسکوربوت، مضمك و تسکین بعضی حالات عصبی مانند هیستری، صرع (Epilepsie)، اسپاسم های عصبی و همچنین در آسم و به عنوان خلط آور بکار می رود.

قسمت هوائی گیاه در بعضی نواحی به مصارف تغذیه می رسد.

در طبابت های قدیم از مصرف گرد آن به مقدار ۲ تا ۴ گرم (۲ دفعه در روز)، نتایج خوب در بعضی بیماریهای عصبی و حالات تشنجی نظیر *داء الرقص*، هیستری و صرع بدست می آورده اند (George Baker در سال ۱۷۷۱).

آزمایشهای متعدد قرون بعد (مانند W. Bohn در سال ۱۹۲۷) نشان داد که پس از مصرف گرد گلهای خشک شده آن، سرازکز عصبی نخاع شوکی تحت تأثیر قرار می گیرد بد نحوی که با این عمل می توان از آن در رفع اختلالات عصبی، *داء الرقص*، هیستری، حالات تشنجی و حتی در دردهای رماتیسمی نتایج مطلوب بدست آورد.

در استعمال خارج، شیر تازه و رقیق شده گیاه و همچنین دم کرده یا جوشانده آن، به صورت غرغره در رفع عوارض اسکوربوت و ناراحتی های مخاط دهان و به صورت ضماد در تقرس و رماتیسم بکار می رفته است.

چون اثر این گیاه فقط موقعی ظاهر می شود که به حالت تازه مصرف گردد از این جهت قبل تأثیر گلهای خشک شده آن در رفع کامل بیماریها، بعید بنظر می رسد.

سجل رویش - این گیاه با آنکه در بسیاری از مناطق آسیا می روید، وجود آن در ایران ذکر نشده است.

استفاده از این گیاه در مصارف درمائی با آنکه تقریباً متروک گردیده بود مع هذا مجدداً در کدکس ۱۹۷۴ وارد شده است.

بعضی از گونه های دیگر آن مانند *C. amara* L. و *C. hirsuta* L. (منطقه مدیترانه) به مصارف درمائی مشابه در طب عوام می رسند.

برگ و ساقه های جوان گیاه اول، به صورت خام در سالاد مصرف می شود. مصرف آن اصولاً در ایران معمول نیست.

C. hirsuta در منطقه وسیعی از ایران مانند دامنه‌های کندوان در ارتفاعات . . . ستری، سواحل شمال ایران، بندرانزلی، حاشیه مرداب ونواحی مرطوب نزدیک ساحل، میان پشته گرگان، بندرگز و برخی از کوهستانهای شمالی ایران، مغرب ایران، کرمانشاه: قصر شیرین و لرستان: شهبازان می‌روید.



ش ۷۳ - *Cardamine pratense* : دو قسمت از گیاه کامل گلدار (اندازه تقریباً طبیعی)

***Cardamine bulbifera* (L.) Crantz.**

Dentaria bulbifera L.

فرانسه : *Herbe aux dents* ، *Dentaire à bulbilles* ، *Dentaire bulbifère* :

انگلیسی : *Bulbous coral - root* ، *Touthwort* ؛ آلمانی *Zwiebel - Zahnwurz* :

ایتالیائی : *Dentaria* ، *Dentaria minor* عربی : حشیشه‌السنان

گیاهی کوچک، زیبا، علفی و به ارتفاع ۳ تا ۶ سانتیمتر و دارای ریزومی به شکل تسبیح است

از مشخصات آن این است که برگ‌هایی مرکب از ۱ تا ۷ برگچه باریک و نولک‌تیز دارد و علاوه در محل اتصال دمبرگ آن به ساقه، تکمه کوچکی دیده می‌شود. گل‌های آن درشت، گلی رنگ و زیباست. در نواحی مرکزی اروپا تا سوریه و ایران، تا ارتفاعات حداکثر ۱۶۰۰ متری می‌روید.



ش ۷۴ - *Cardamine bulbifera* : سرشاخه گلدار و ریزوم (اندازه طبیعی)

خواص درمانی - ریزوم این گیاه دارای تانن است و از آن سابقاً به عنوان التیام دهنده زخم‌ها استفاده فراوان بعمل می‌آمده است. برای آن اثر معالجات زخم‌های داخلی مانند زخم روده و غیره

به صورت قاطع قابل اند. از قدیم الایام در موارد اسهال های ساده مورد استفاده قرار می گرفته و هنوز هم از این نظر در بعضی نواحی مورد توجه است.

محل رویش - آذربایجان، مازندران: کوه رنگ در ارتفاعات ۱۱۰۰ متری، دره عراز.

Turritis glabra L. ، *Arabis perfoliata* Lam. ، گیاهی دوساله، دارای

ریشه ضخیم و ساقه ای به ارتفاع ۵۰-۲۰۰ متر و عاری از هرگونه انشعاب است. برگهای بیضوی دراز بادندانه های کم و به حالت قائم و متکی به ساقه دارد. گلپای آن بدرنگ زرد روشن و میوه اش خورجین ، باریک و دراز است.

خواص درمانی - ضد اسکوربوت است و از آن جهت رفع عوارض ناشی از کمبود ویتامین C

در بدن، می توان استفاده بعمل آورد.

محل رویش - گرگان: بندرگز: مازندران: آمل، دامنه های شمالی کندوان در ارتفاعات

۲۲۵۰ متری. گیلان: بندرانزلی، رودبار و آذربایجان.

Raphanus laevigatus M. B. ، *Goldbachia laevigata* (MB.) DC. گیاهی.

است علفی که پراکندگی وسیع در غالب نواحی ایران دارد. از مشخصات آن این است که برگهای بیضوی دراز، نولک تیز، تقریباً تیر کمانی، به رنگ سبز تیره و گلپای به رنگ صورتی دارد. میوه اش خورجین و واقع بر روی دسگلی خمیده است به نحوی که ظاهر متمایز به گیاه می دهد. از دانه اش روغن قابل مصرف استخراج می شود.

در منطقه وسیعی از نواحی شمالی ایران، فارس، کرمان، بلوچستان: زااهدان. خاش. خراسان: طبس، بین چناران و قوچان (احمد ماهان). اطراف تهران: قزوین، قم اراک و غیره می روید.

تیره گور^(۱) Capparidaceae

گیاهانی با ظاهر متفاوت علفی و یا به صورت بوته هایی با اعضای چوبی و بندرت درختچه یا درخت مانند اند و چون از نظر مشخصات ساختمانی گل شباهت بسیار به *Cruciferae* ها دارند از این جهت آنها را انواعی از تیره اخیر، متعلق به نواحی گرم نیز ذکر می نمایند (Guignard). پراکندگی آنها بیشتر در مناطق گرم و حدود خارجی آنها تناواری معتدله است. در بین آنها انواع معدودی نیز یافت می شود که در نواحی معتدله بسر می برند.

این گیاهان، برگهایی متناوب، فاقد استیپول (زائده زیر برگ) یا شاخه های اولی به صورت خار و گلپای نرساده، معمولاً منظم و شامل ۴ کاسبرگ و ۴ گلبرگ دارند (شباهت به *Cruciferae* ها)

از مشخصات آنها این است که نهیج گل آنها غالباً به صورت استتالهای دراز در می آید. برخی از آنها به تعداد ۴ یا ۶ (شباهت به *Cruciferae* ها) و مادگی آنها غالباً مرکب از ۲ برجه بایشتر و واقع در انتهای استتالهای دراز است.

میوه آنها به صور مختلف پوشینه، خورجین مانند، سته یا شفت و محتوی دانه های بدون آلبومن است.

در اعضای مختلف گیاهان این تیره، سلولهای واجد میروزین (به وضع منفرد یا مجتمع) و همچنین گلوکزید هائی وجود دارد که بر اثر تجزیه، موجب پیدایش اسانس هائی شبیه اسانس گیاهان تیره شب بو می گردد.

در بین آنها نمونه های دارویی سهم وجود ندارد. از بعضی از آنها، آنهم در طب عوام استفاده های درمانی به عنوان نیرو دهنده، ضد اسکوربوت و تناول آور بعمل می آید. انواع دارویی و سهم آنها به شرح زیر است:

Capparis spinosa L.

نرآنسه: *Câprier épineux* ، *Taparier* ، آلمانی: *Kapernstrauch*

انگلیسی: *Common Caper - bush* ایتالیائی: *Cappero* ، *Cappero spinosa*

فارسی: **گور** (*Kavar*) ، کبر - عربی: اصف ، کبار (*Kabbâr*) ، *شوك الحمار*

گیاهی زیبا، دارای شاخه های متعدد، پوشیده از کرک و به طول ۱ تا ۵ متر است. از مشخصات آن این است که انشعابات ساقه گیاه، از یک ناحیه چوبی شده که در واقع قاعده ساقه به حساب می آید، منشأ گرفته، وضع غالباً گسترده بر روی زمین پیدا می کند. برگهای آن ساده، عاری از دندانه، به رنگ سبز روشن و دارای دوزائده خارمانند (استیپول) در محل اتصال دسبرگ به ساقه است. گلپای درشت آن، رنگ سفید مایل به گلی دارد و پس از شگفتن، منظره بسیار زیبا به گیاه می بخشد. از این نظر است که در بعضی نواحی مدیترانه، اقدام به پرورش این گیاه می گردد. منشأ اصلی آن نیز بعضی از نواحی آسیا بنظر می رسد.

در داخل پوشش گل این گیاه، تعداد فراوانی پرچم دراز وجود دارد که مجموعاً ظاهری بسیار زیبا به گل می بخشد. میوه آن که در قسمت انتهائی یک زائده دراز (نهیج) بوجود می آید، بیضوی، گوشته دار و در آغاز به رنگ سبز روشن است ولی تدریجاً مایل به قرمز می گردد.

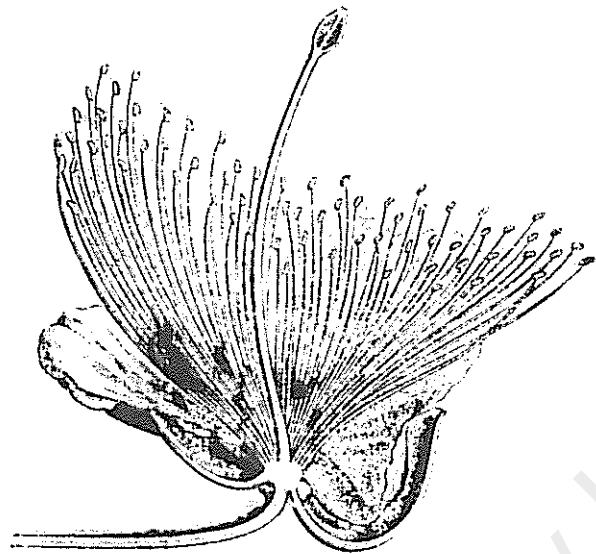
چون ضمن پرورش گیاه، نمونه هائی از آن تدریجاً از محیط کشت دور می شود از این جهت

ش ۷۵ - *Capparis spinosa*: شاخه گلدار (اندازه طبیعی). میوه - دیاگرام

غالباً در محیط اطراف کشت حتی در فواصل نسبتاً دور، تعدادی از آن بچشم می‌خورد. به حالت وحشی بیشتر در اماکن متروک، کنار دیوارهای کهنه و دامنه‌های نسبتاً مرطوب کوهستانهای کم‌ارتفاع یافت می‌شود.

قسمت مورد استفاده گیاه، جوانه‌ها یا تنکمه‌های مولد گل آن است که معمولاً پس از چیدن، در حدود سه‌ماه در سرکه قرار داده می‌شود و یا آنکه مدتی در آب شور نگهداری شده سپس مصرف می‌گردد.

میوه، ریشه و پوست آن بیشتر به مصارف درمانی می‌رسد.

ش ۷۶ - *Capparis spinosa*: برش طولی گل (اندازه طبیعی)

ترکیبات شیمیائی - ریشه و جوانه‌های مولد گل آن، دارای پکتین، ساپونین، نوعی اسانس (بمقدار بسیار جزئی)، یک ماده رزینی، یک رامنوگلوکزید و ماده‌ای به نام **کاپاری روتین** capparirutine به فرمول $C_{15}H_{16}O_{10}$ است. این ماده به صورت گرد متبلور به رنگ زرد روشن به دست می‌آید. در گرمای ۱۸۰ درجه ذوب می‌شود. در اتروکلوروفرم، غیر محلول ولی در آب و الکل محلول است (Reutter, p. 472, 1923).

خواص درمانی - پوست ریشه گیاه سابقاً در بیماریهای مختلف مخصوصاً امراض مربوط به کبد و طحال مصرف می‌گردید و از آن در موارد طروری به عنوان مدر، قابض و مقوی نیز استفاده بعمل می‌آمد. مصارف آن در رفع آب آوردن (Hydropisie)، کم‌خونی و رنگ پریدگی دختران

جوان، ضعف عمومی همراه با ضعف اعصاب و همچنین در نقرس معمول بوده است. مطالعات جدید، اثر مفید آنرا در هیستری و حالات عصبی دیگر تأیید نموده است. مصرف آن موجب باز شدن خون قاعدگی در موارد قطع این حالت در زنان جوان می شود.

جوانه های ناشکفته و مولد گل آن، اثر نیرو دهنده و کمی مدر دارد. از جوشانده آن در مسارف داخلی، غنوزهم در الجزایر برای مداوای نقرس استفاده بعمل می آید.

محل رویش - نواحی مختلف ایران، دامنه های البرز، شمال شرقی عرزیل، (نواحی کم ارتفاع و منتهی به دره های مرطوب)، بلوچستان و شیراز.

در بعضی کتب علمی، بجای گیاه مذکور، واریته از آن بنامهای زیر:

Var. spinosa و *Var. parviflora* (Boiss.) Boiss. و *Var. mucronifolia* (Boiss.) Hedg. & Lam.

در نقاط مختلف ایران ذکر شده ضمناً گونه های *C. parviflora* Boiss. در واریته دوم و

C. elliptica Hausskn. et Bornm. و در واریته سوم و *C. aegyptica* Lam. و *C. sicula* Duh.

در واریته اول وارد شده است (فلورا ایرانیکا).

Capparis decidua (Forsk.) Edgew.

C. aphylla Roth. ، *Sodada decidua* Forsk.

گیاهی بوته مانند و دارای شاخه های چوبی باریک و دراز است. شاخه های سس آن عاری از برگ ولی شاخه های جوان دارای برگهای کوچک، باریک، به طول ۴-۳ میلی متر و منتهی به نوبک خارمانند می باشد. گلپای آن که بیشتر بر روی شاخه های سس و یا کوتاه و جانبی ظاهر می گردد، رنگ قرمز و حالت مجتمع دارد. گلبرگهای باریک و دراز جام گل، به طول ۹ و عرض ۳ میلی متر می رسد. میوه اش کروی، عاری از تار و به درشتی گیلاس کوچک است. در نواحی گرم جنوب آسیا و منجمله ایران، هند و همچنین در عربستان و شمال آفریقا پراکنده گی دارد.

خواص درمانی - پوست گیاه طعم تند و گس و اثر آرام کننده، معرق، ملین و دفع کرم دارد. در رفع سرفه و تسکین آسم و درمان دانه های جلدی اثرات مفید ظاهر می نماید. برای کلیه قسمتهای گیاه اثر مقوی و بادشکن، مقوی باء و قاعده آور قائل اند و آنرا در درمان رماتیسم، لمباگو و رفع سسکسکه، دارویی مفید به حساب می آورند (Yunani).

محل رویش - بلوچستان، مکران، بین جاسک و میناب، بین چابهار و تنگ سرخ، چابهار، نیک شهر، سرباز، بمپور و بطور کلی سواحل جنوبی ایران.

از این انواع غیر موجود *Capparis* ها در ایران، به ذکر گیاهان زیر سبادت می شود:

۱- *C. zeylanica* L. * ، *C. brevispina* DC. گیاهی بالا رونده، دارای برگهای

بخنوبی دراز و گلپای منفرد یا مجتمع به تعداد ۲-۳ تائی است. میوه تقریباً مدور، به قطر ۳ سانتیمتر و محتوی دانه های فراوان دارد. در جاوه، فیلیپین و بعضی از نواحی هند می روید. در ایران یافت نمی شود.

ریشه گیاه طعم تلخ و اثر صفرابردارد. پوست ریشه، مسکن و مقوی معده است. در نواحی شمالی هند از برگهای جوان آن ضمادی تهیه می شود که برای رفع جوش و از بین بردن التهاب در بواسیر استفاده می گردد.

۲- *C. cynophallophora* L. * در امریکای شمالی و جزایر آنتیل می روید. از پوست

آن به عنوان قاعده آور و از ریشه اش جهت تقویت معده استفاده می شود.

۳- *C. ferruginea* L. * در نواحی غربی هند و مارتینیک می روید. از نظر مسارف

درمانی، برگهای آن به عنوان مسکن و داروی اختصاصی جهت رفع حالات بحرانی در هیستری مصرف می شود.

*** Cleome viscosa** L.

Polanisia icosandra Wight. & Arn. ، *C. icosandra* L.

گیاهی است علفی، یکساله، به ارتفاع ۳-۹ سانتیمتر که ساقه شیاردار و پوشیده از تارهای غده ای فراوان دارد. برگهای آن از ۳-۵ برگچه تشکیل می یابد و از این برگچه ها، دوتای آنها که در قاعده قرار دارد همیشه کوچکتر از بقیه است. گلپای زرد رنگ آن، حالت مجتمع به صورت گل آذین خوشه در محور ساقه دارد. میوه اش باریک، دراز و محتوی دانه هائی به رنگ قهوه ای تیره پس از رسیدن کامل است. در نواحی مختلف مناطق حاره آسیا پراکنده گی دارد. در ایران یافت نمی شود.

برگ، دانه، ریشه و گاهی کلیه قسمتهای گلدار گیاه در بعضی نواحی محل رویش به مسارف درمانی می رسد.

خواص درمانی - کلیه قسمتهای گیاه طعم ترش و تلخ، بوی قوی و اثر درمانی ملین، مدر، مقوی معده و ضد کرم دارد. مصرف آن در رفع التهاب تومورها، ناراحتی های پوستی، خارش و درمان اولسهای جزامی اثرات مفید ظاهر می کند. در رفع تب مالاریا و تب های ناشی از امستلاء - معده، درمان سرفه و نزله موثر واقع می گردد.

برگ این گیاه اثر هضم کننده غذا و متوقف کننده تخمیرهای روده‌ای دارد. شیره برگهای تازه آن، سردرد را درمان می‌کند و یا تأثیر موضعی، در رفع ناراحتی‌های بواسیر موثر واقع می‌شود. دانه گیاه اثر ضد کرم دارد و بادشکن است. در چین برای شیره گیاه اثر نیرو دهنده و ضد اسکوریوت قائل اند.



ش ۷۷ - *Gymnandropsis pentaphylla* : سرشاخه گلدار (-۱/۲ اندازه طبیعی)

Cleome brachycarpa Vahl ، گیاهی علفی، پایا، به ارتفاع ۱ تا ۲ متر و دارای بوئی شبیه بوی سداب (*Ruta graveolens*) است. ساقه‌های متعدد آن، قاعده چوبی دارد. برگهای آن مرکب از ۳-۵ برگچه کوچک، بیضی و دراز و گلهای آن به رنگ زرد و مجتمع به صورت خوشه در محور ساقه است. میوه‌های باریک و نازک آن به طول ۱ تا ۱.۵ سانتیمتر می‌رسد و در سطح آن، برجستگی‌هایی از خارج دیده می‌شود. در نواحی گرم و کوهپایه عربستان، حبشه، شمال آفریقا و جنوب آسیا منجمله ایران می‌روید.

خواص درمانی - کلیه قسمت‌های گیاه، طعمی بسیار تلخ دارد و از آن در درمان بیماریهای پوستی، رماتیسم و همچنین رفع التهاب استفاده بعمل می‌آید منحصراً در نواحی محل رویش به مصارف درمانی می‌رسد.
محل رویش - در نواحی گرم جنوب ایران مانند جزیره هرمز، بلوچستان، چابهار پراکنده است.

Gymnandropsis pentaphylla DC. ، * *Cleome pentaphylla* L. - گیاهی

علفی یکساله، دارای برگهایی بادبرگ دراز و گل‌هایی به وضع مجتمع در قسمت انتهائی ساقه است به حالت وحشی در نواحی حاره آسیا، آفریقا و امریکای روید. بررسی‌های R. P. Duss که در فلور آنتیل فرانسه منعکس است، حاکی از آن است که از این گیاه، نوعی غذای محلی توسط بومیان محل رویش گیاه به نام **کالالو Galalou** تهیه می‌شود که زیاد مورد توجه است. پرورش آن به سهولت صورت می‌گیرد.

برگچه‌های جوان و پخته شده آن مانند اسفناج مصرف می‌گردد و طعمی مطبوع شبیه علف چشمه دارد.

از نظر درمانی، شیره آن به عنوان آرام کننده و مسکن مصرف می‌شود نام‌های عربی آن، **ابو قرن (Abû qarn)** و **تملیکه (Tamlukah)** است.

گونه دارویی دیگر آن *Gymnandropsis triphylla* DC. * است که در سن-دومینگ **Saint Domingue** می‌روید و از آن به عنوان مدر و ضد اسکوریوت استفاده درمانی به عمل می‌آید.

هیچیک از دو گیاه اخیر در ایران نمی‌رویند.

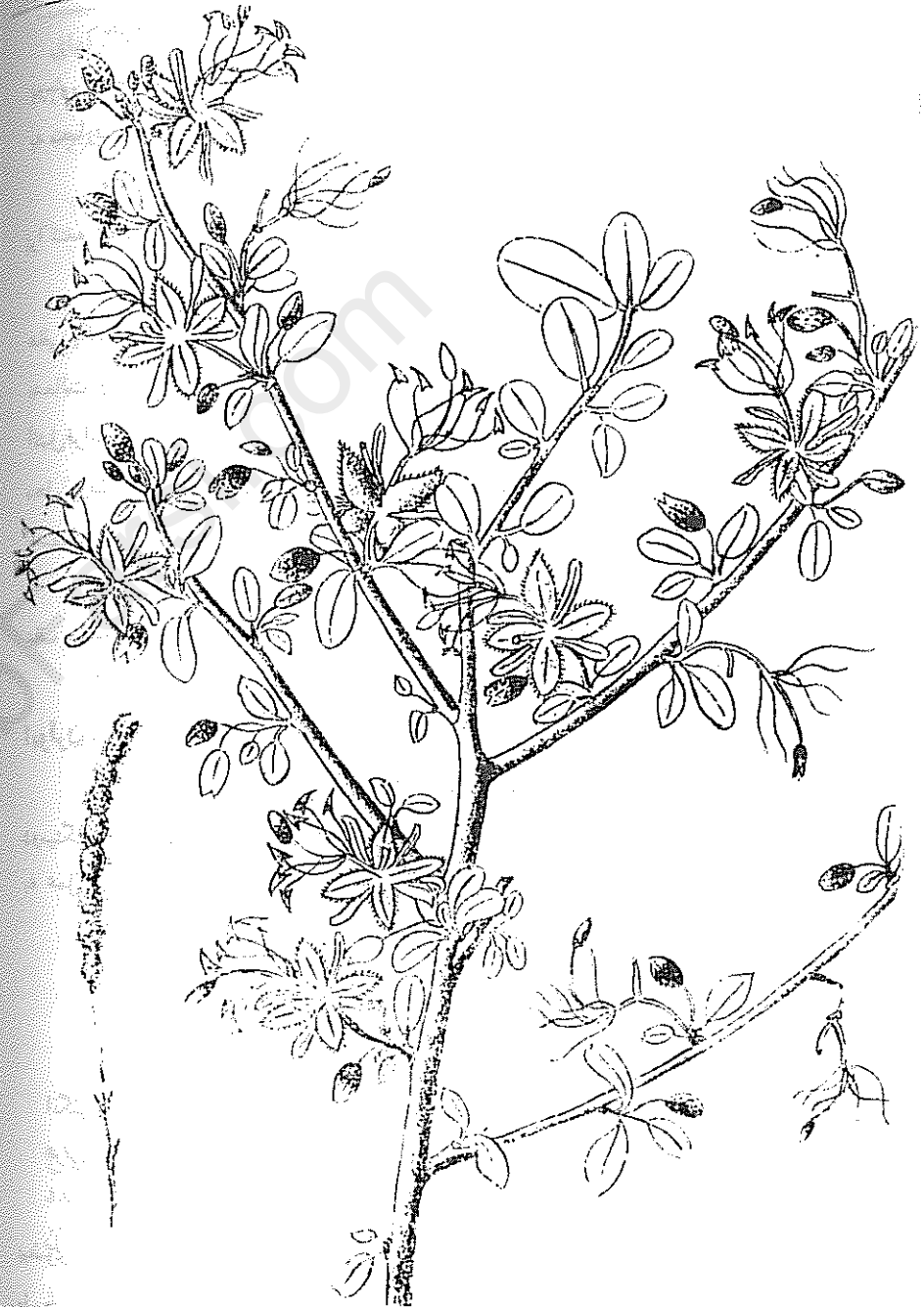
Cadaba farinosa Forsk.

Stroemia farinosa Vahl. ، *S. dubia* D. Dietr.

انگلیسی : Esel-Wood آلمانی : Eselbaum ایتالیائی : Cadaba هندی : Kodhab

عربی : سرح Sarh h ، طریح (Turayhh) ، قره (Qûrrah)

درختچه‌ای است کوچک، پرشاخه و به ارتفاع ۵ تا ۱۰ متر (حتی بیشتر) که برگهای کامل بیضی نوک تیز و پوشیده از تارهای پنبه‌ای و یا آردی دارد. گلهای آن به رنگ زرد روشن، منفرد و با مجتمع به تعداد ۲ تا ۵ میوه‌اش بیضی ناصاف و محتوی دانه‌های فراوان، واقع در یک پوشش نازک و ظریف است. در نواحی جنوبی آسیا و مناطق حاره و کوهپایه آفریقا پراکنده‌گی دارد و احتمالاً



ش-۸ Cadaba farinosa: شاخه گلدار (اندازه تقریباً طبیعی) - میوه (Ayur. dr.)

بطوری که در بعضی کتب علمی وارد گردیده، در نواحی جنوبی ایران مانند بلوچستان یافت می‌شود.

خواص درمانی - از برگ و ریشه این گیاه غالباً به عنوان دفع کرم و مسهل استفاده درمانی بعمل می‌آید.

گونه دیگری از گیاه مذکور به نام *C. trifolia* Weigh. & Arn. * که در هندوستان می‌روید، برگهائی مرکب از ۳ برگچه و میوه‌ای باریک و دراز به طول ۵/۰-۷/۰ سانتیمتر دارد. در ایران یافت نمی‌شود.

ریشه و برگ آن دارای اثر مسهلی، قاعده آور و ضد کرم است. در سوء هضم کودکان و همچنین در موارد اشکال وقوع قاعدگی (قاعدگی دردناک) که با درد و ناراحتی همراه است و یادار قطع این حالت، مورد استفاده قرار می‌گیرد. به مصارف تسکین و رفع درد و ناراحتی‌های مفصلی نیز می‌رسد.

* *Crataeva religiosa* Forst.

C. Adansonii DC. ، *C. Nurvala* Buch.

فرانسه : Cratévier ، Tapier ، انگلیسی : Garlic tree ، Garlic pear

آلمانی : Krateva ، Tapiabaum ، هندی : Vervunna ، Barna ، Bila

درختچه‌ای کوچک و دارای شاخه فراوان در قسمت‌های انتهائی ساقه است. برگهائی مرکب از ۳ برگچه بیضوی-نوک تیز، با کناره صاف و منتهی به سبک باریک و دراز دارد. فاقد تار در هر دو سطح پهنک است. گل‌های سفید مایل به سبز آن در حول محوری به طول ۵-۷ سانتیمتر به صورت گل آذین دیهیم ظاهر می‌گردد و چون کاسبرگ‌های کوچک گلبرگ مانند و گلبرگ‌های آن، در اطراف پرچم‌های دراز و متعدد جای دارد، منظره بسیار زیبا به گل آذین می‌بخشد. میوه‌اش ظاهر مدور-بیضوی و حالت نسبتاً چوبی شده دارد و در راس دسکل درازی قرار گرفته است. از مشخصات این گیاه آن است که میله پرچمها در آغاز، رنگ ارغوانی یاسفید دارد ولی پس از آنکه مدتی گذشت، رنگ یاسی و مایل به بنفش پیدا می‌کند. ضمناً رنگ گلبرگها تدریجاً از سفید به سفید-مایل به زرد تغییر می‌نماید. این گیاه در ایران نمی‌روید. در هند و برمه به حالت وحشی یافت می‌شود. به علاوه پرورش می‌یابد.

خواص درمانی - پوست ساقه گیاه در آغاز طعم تلخ دارد ولی تدریجاً شیرین ولی تند

2. cm.



ش ۷۹ - Crataeva religiosa : شاخه گلدار و میوه دار گل (Ayur. dr.)
می‌گردد. دارای اثر مقوی معده، ضد عفونی کننده، ملین، ضد کرم، مسکن سرفه و خلط آور است

بعثت مبر بودن، در سوارد کمی دفع ادرار (عسر البول) مورد استفاده قرار می‌گیرد. گل‌های آن قابض، کم‌کننده ترشحات صفرا، بیوه‌اش ملین و برگ‌های آن اثر قوی‌کننده پوست بدن دارد.
از *Polanisia graveolens Raf.* * که در امریکای شمالی می‌روید به عنوان دفع کرم استفاده به عمل می‌آید.

رزه دانه Resedaceae

تیره کوچکی از گیاهان گلدار جدا گلبرگ و دارای مجموعاً ۹ گونه است که قسمت اعظم آنرا *Reseda* ها تشکیل می‌دهند. عموماً گیاهانی علفی و بندرت به صورت بوته‌های چوبی می‌باشند. پراکندگی آنها به صورتی است که بیشتر در نواحی معتدله و گرم کره زمین، مخصوصاً در منطقه مدیترانه و آسیای مرکزی یافت می‌شوند. برگ‌های آنها متناوب، ساده یا لوب‌دار و یا سرباز برگچه‌هاست. گل‌هایی منظم و مجتمع به صورت سنبله یا خوشه دارند. در هر گل آنها ۸ تا ۸ کاسبرگ آزاد یا کم‌ویش پیوسته به هم ۷ تا ۸ گلبرگ کاسل یا بریدگی دارد دیده می‌شود. بعضی از این گیاهان نیز فاقد گلبرگ‌اند. تعداد پرچم‌های آنها زیاد و مادگی آنها سرباز از ۲ تا ۶ پرچه آزادی پیوسته به هم است که مجموعاً تخمدانی یک‌خانه با تمکین جانبی بوجود می‌آورند. میوه آنها پوشینه (کپسول) است. در این تیره متحصراً محدودی گیاه دارویی کم‌ارزش جای دارند.

Reseda Luteola L.

R. pseudo-virens Eriv. ، *R. glauca* Eichw.

فرانسه : *Herbe à jaunir* ، *R. des teinturiers* ، *Faux Réseda* ، *Gaude* ؛

انگلیسی : *Dyer's -rocket* ، *Yellow-weed* ، *Weld -Mignonette* ، *Dyer's weed* ؛

آلمانی : *Gelbliche Reseda* ، *Gelbkraut* ، *Wau - Reseda* ، *Färber- Wau* ؛

ایتالیائی : *Erba gialla* ، *Reseda dei tintori* ، *Guaderella* ، *Guada* ، *Luteola* ؛

عربی : *ویبه (Waybah)* ، *بلیحه (Bulayhhah)*

گیاهی است دوساله، بی‌کرم، دارای ساقه راست، زاویه دار و به ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر تا یک متر که منشأ اصلی آن، نواحی جنوبی فرانسه تعیین گردیده است. پراکندگی آن امروزه به نحوی است که در غالب نواحی جنوبی اروپا و آسیا، منجمله ایران، شمال آفریقا و امریکای شمالی یافت می‌شود. برگ‌های یاریک، نوک تیز، کاسل یا کناره موجدار و به رنگ سبزیبا دارد. مجموعه گل‌های

آن که به تعداد زیاد و به صورت نوعی گل آذین خوشه دراز، ظاهری شود، رنگ زرد مایل به سبز دارد. در اماکن سایه دار و حاشیه جریانهای ملایم آب می روید. میوه اش به صورت پوشینه، کوچک، بیضوی و دارای ۳ دندانه نوك تیز است. در آن دانه های تیره رنگ و صاف جای دارد. زنبور عسل از نوش گیاه استفاده می کند و به سمت گل های آن جلب می شود. ریشه و سرشاخه های گلدار آن به مصارف درمانی می رسد:

از گیاه خشک شده، نوعی لاک زرد رنگ و زیبا تهیه می شود.

دانه گیاه دارای ماده روغنی به رنگ سایل به سبز است. در قدیم الایام مردم یهود از ماده رنگی آن جهت رنگ کردن البسه خود استفاده بعمل می آورده اند. از این جهت این گیاه، Herbe des juifs نیز نامیده شده است.

ماده رنگی این گیاه، لوتئولین *lutéoline* است که توسط دانشمندی به نام Chevrel به حالت خالص و به صورت بلورهای زرد رنگ و سوزنی شکل (طبق بررسیهای Perkin) بدست آمده است.

لوتئولین *Lutéoline* (دیژی توفلاون *digitoflavone*، سیانی ده نون *Cyanidenon*)، در تعداد زیادی از گیاهان، به صورت ترکیب گلوکزیدی مانند آرابینوزید *arabinoside* یافت می شود و استخراج شده است. ماده ای به فرمول $C_{15}H_{11}O_4$ و به وزن ملکولی ۲۸۶٫۲۳ است و نخستین بار توسط Perkin به دست آمده است (1). سنتزان نیز توسط Hutchins و Wheeler صورت گرفته است (2).

منوهیدرات آن (بایک ملکول آب)، به صورت بلورهای سوزنی شکل زرد رنگ به دست می آید. در گرمای ۳۲۸-۳۳ درجه تجزیه می شود. در قلیائیات محلول است و ایجاد رنگ زرد می کند. در آب به مقدار بسیار کم حل می شود.

خواص درمانی- ریشه گیاه سابقاً به عنوان اشتها آور مورد استفاده قرار می گرفته است. سرشاخه های گلدار گیاه سابقاً جهت دفع کرمهای روده مصرف می شده است. دم کرده ۱-۲ گرم ریشه گیاه به عنوان مدر به مصارف درمانی می رسیده است. هنوز هم در طب عوام از آن به عنوان بقوی معده استفاده درمانی بعمل می آید.

1 - Perkin, J. Chem. Soc. 69, 800 (1986).

2 - Hutchins Wheeler, J. Chem. Soc. (1939), 91.

محل رویش- خراسان؛ بین مشهد و قوچان در ارتفاعات ۱۰۰-۱۳۰ متری، دره اترک، بین شیروان و بجنورد، بین قوچان و شیروان (احمد ماهوان)، سرحدات شرقی ایران؛ دره هریرود و باد نیس.

گونه سفید دیگر این گیاه در ایران *R. odorata* L. است این گیاه ساقه کوتاه و شاخه های گسترده دارد. برگهای آن کامل و دارای کناره های غیر منقسم است ولی در قسمت بالای ساقه، تقسیمات و بریدگیهای نسبتاً عمیق پیدا می کند. گل های آن به صورت خوشه های کوتاه ظاهر می گردد. میوه اش بیضوی- تخم مرغی و دارای سطح صاف است. به عنوان زینت در باغچه ها کاشته می شود. در نواحی مختلف اروپا، مخصوصاً مدیترانه و در آسیا، منجمله ایران می روید. از ریشه آن سابقاً به عنوان ملین، مدر و معرق استفاده بعمل می آمده است. له شده دانه آن اثر رفع التهاب در استعمال خارج دارد.

محل رویش - نواحی جنوبی ایران، بوشهر.

از تیره های مجاور رزه داسه، *Cistaceae* است که معدودی از گیاهان دارویی مورد استفاده در طب عوام، در آن جای دارند.

سیستانه ها، برگهای ساده یا موجدار، معمولاً متقابل و نسبتاً دائم دارند. گل های آنها منظم، به رنگهای زرد، قرمز یا سفید و دارای پوششی از قطعات ه تائی اسنن. پرچمهای آنها به تعداد زیاد و میوه آنها به صورت پوشینه و محتوی دانه های متعدد می باشد. بعضی از این گیاهان، به علت داشتن گل های زیبا، پرورش می یابند. در بین آنها، انواع دارویی کم ارزش به شرح زیر وجود دارد:

* *Helianthemum Chamaecystus* Mill.

H. vulgare Gaertn.

فرانسه: *Helianthème*، *Herbe d'or*، *Fleur de soleil* ایتالیائی: *Eliantemo*

انگلیسی: *Sun-rose*، *Common rock-rose* آلمانی: *Echtes sonnenröschen*

عربی: *شجر الشمس* (Shagar esh shams)

گیاهی به ارتفاع ۱ تا ۳ سانتیمتر و دارای اعضای چوبی است. ساقه های نیمه خوابیده و واقع در سطح زمین دارد. برگهای ساده و بیضوی آن به طول ۲-۳ سانتیمتر و پهنا ۱-۲ سانتیمتر می باشد و وضع متقابل بر روی ساقه دارند. گل های درشت و زیبای آن در اواخر اردیبهشت تا مرداد-

ماه ظاهر می‌شوند. رنگ گلبرگهای آن زرد است ولی استثناً به‌الوان دیگر مانند سفید و گلی رنگ نیز دیده می‌شود. با آنکه اختصاصات کلی گیاه به تناسب شرایط محیط زندگی، غالباً تفاوت می‌نماید مع هذا چون کاسه گل آن مرکب از ۳ گاسبرگ بزرگ و ۲ کاسبرگ کوچک است و بعلاوه در قاعده هریک از برگهای متقابل آن، یک برگ کوچک استیبول مانند وجود دارد، تشخیص آن به سهولت انجام می‌گیرد. از اختصاصات این گیاه آنست که در غالب نواحی یک منطقه باستانه املاکنی که نوع زمین آن سیلیسی است یافت می‌شود. محل رویش آن بیشتر در جلگه‌های خشک، حاشیه جاده‌ها و نواحی کم درخت جنگلهاست.

در نواحی مختلف اروپا پراکندگی دارد.

بنظر می‌رسد که اختصاصات درمانی این گیاه مربوط به یک ماده گلوکزیدی به نام هلمیانته موکلوکزید *helianthemoglucoide* موجود در آن باشد.

خواص درمانی: این گیاه از نظر درمانی، مورد توجه خاص بعضی از پزشکان قدیم مانند ماتئول (Matthiol در سال ۱۵۵۴) بوده است بطوریکه این دانشمند دم کرده آنرا برای درمان اخلاط خونی، خونروی‌های رحمی و دیسانتری به کار می‌برده است بعلاوه قراردادن له شده گیاه را بر روی عضو، در التیام زخمهای خونی و لوسیون حاصله از آنرا به صورت شستشو در درمان اولسرها سفید می‌دانسته است. (Frey در سال ۱۶۷۰)، این گیاه را جهت درمان تنگی نفس و سمل بکار می‌برده است.

اعضای این گیاه از نظر کلی دارای اثر قابض ملایم است و تعیین اختصاصات درمانی آن با توجه به این صفت، باید مورد بررسی قرار گیرد.

استفاده درمانی از آن، امروزه بطور کلی متروک شده است.

واریته‌ای از این گیاه به نام *Var. virescens Boiss.* در آذربایجان، حسن بگلو در قره داغ می‌روید (Fl. de l'Iran, I. 953).

* *Cistus ladaniferus* L.

فرانسه: *C. ladanifère*، اسپانیایی: *Cist à gomme*، *Spanische cistrose*

انگلیسی: *Gum cistus*، ایتالیایی: *Cisto di spagna*، *Cisto ladanifero*

عربی: قستوس لادن *Qistús Lâdan*، شقواس (Shaqwâss)

گیاهی به ارتفاع متوسط یک متر و دارای اعضای چوبی، شاخه‌های منشعب و برگهای معطر

و چسبناک است. غالباً بر روی تپه‌های خشک و کم ارتفاع، جنگلهای کاج و اراضی سیلیسی می‌روید. پراکندگی آن به صورتی است که در نواحی مختلف اروپا مانند فرانسه، پیرنه، اسپانیا، پرتغال، مراکش و الجزیره یافت می‌شود. در ایران پراکندگی ندارد. از مشخصات آن اینست که برگهایی به طول ۴-۸ و به عرض ۵-۳ سانتیمتر، به رنگ سبز و فاقد تار در سطح فوقانی پهنک دارد ولی سطح تحتانی پهنک برگ آن پوشیده از تارهای مایل به سفید با ظاهر مشخص است. گل‌های درشت و زیبای آن، قطری معادل ۶-۱ سانتیمتر دارد. رنگ آن سفید است ولی در قاعده هریک از گلبرگ‌های آن، لکه‌ای درشت و ازغوانی باهاله‌ای به رنگ طلایی دیده می‌شود. زمان گل‌دادن آن، اوایل اردیبهشت تا مردادماه است. در منطقه مدیترانه، وسعت زیادی را در اطراف آبادی‌ها اشغال می‌کند.

برگ، شاخه‌ها و سرشاخه‌های این گیاه، پوشیده از تارهای غیر ترش‌چی یک سلولی ساده یا منشعب و ستاره‌ای و تارهای ترش‌چی چند سلولی ولی واقع در یک ردیف است. سلول انتهایی تارهای ترش‌چی، حالت کشیده و تارمانند دارد. از تارهای ترش‌چی آن نوعی اولئورزین به خارج ترشح می‌شود که از آن، به صورت مختلف بهره‌برداری می‌گردد.

برداشت محصول سابقاً بدین نحو بوده که گله بز را برای چریدن در محل رویش این گیاه، رها می‌کردند و بعداً اولئورزین مذکور را که به ریش ویشم بز چسبیده باقی میماند، از آنها جمع نموده به صورت قطعات کوچک درمی‌آوردند. بعداً به طریق بهتری اقدام به انجام این کار گردید یعنی با پوشیدن لباسهای چرمی که نوازهای دراز بدن پیوسته بود از محل رویش گیاه عبور می‌نمودند. با این عمل، اولئورزین مذکور به لباس و نوازهای چرمی می‌چسبید و جدا کردن آن سهلتر و صحیح تر صورت می‌گرفت. بهترین و مرغوب‌ترین نوع ماده مذکور، نوعی است که در کرت با استفاده از جاروب‌های مخصوص که از نوارهای چرمی دراز ساخته شده، به دست می‌آید.

اولئورزین مذکور که **لادانوم** *Ladanum* نامیده می‌شود از انواع دیگری از گیاه مذکور مانند *Cistus villosus* *Var. creticus* (L.) *Boiss.* که به *Ladanum de Crète* موسوم است نیز به دست می‌آید.

لادانوم اسپانیا از جویشانندن سرشاخه *Cistus ladaniferus* L. در آب به دست می‌آید. ماده‌ای که از این طریق تهیه می‌شود، رنگ تیره و شباهت ظاهری به دانه‌های نخود دارد. بوی آن معطر و شبیه بوی عنبر و طعمش تلخ است.

ترکیبات شیمیائی: مواد رزینی، صمغ، یک ماده تلخ، اسانسی بابوی کافور، لادون

Ladène (۱) ، لادانیول Ladaniol (به صورت گرد سفیدرنگ متبلور و غیر محلول در آب) و غیره است (Forinier, pl. Méd. I, 414 ; Reutter, p. 482).

از تقطیر شاخه و برگ گیاه، اسانسی به مقدار بسیار کم معادل ۰.۶ در هزار تهیه می‌گردد که بوی عنبر مانند و قیمت بسیار گران دارد. دوسراکز بزرگ تولید اسانس مانند Grass ، با تاثیر دادن بنزن یا اتر دو پترول، عصاره‌ای با مشخصات نسبتاً متفاوت از لادانوم به دست می‌آورند.

خواص درمانی - لادانوم سابقاً مصارف زیاد در درمان بیماریهای مختلف داشته است بطوریکه از آن بعنوان نیرو دهنده، قابض، بند آورنده خون و غیره استفاده به عمل می‌آمده است. بعلاوه این ماده در فرمول بعضی فرآورده‌ها مانند شمع‌های درمان بریدگی‌ها وارد شده است. لادانوم با آنکه اثرات قاطع در درمان بعضی از بیماریها داشته، مصرف آن امروزه متروک گردیده است و آنهم بیشتر به این دلیل است که تهیه نوع خالص آن به اشکال صورت می‌گرفته است. در زمان قلعی نیز مانند سابق می‌توان از آن در رفع صغف عمل دستگاه هضم، دیسانتری، بیماریهای نزله‌ای، آسم و همچنین آغاز بیماری سل استفاده به عمل آورد. هیچیک از گیاهان مذکور در ایران نمی‌رویند.

تیره بنفشه Violaceae

گیاهانی عموماً علفی و فقط دارای نمونه‌های معدودی به صورت بوته‌های چوبی می‌باشند. در بین انواعی از آنها که در نواحی بین استوایی می‌رویند، نمونه‌های درختچه مانند و ندرتاً به صورت درخت یافت می‌گردد. تعداد کثیری از آنها که تقریباً به نصف کلی‌گونه‌های *Viola* ها تشکیل می‌یابد. فراوانی آنها بیشتر در نواحی معتدله نیمکره شمالی است بطوری که فقط معدودی از آنها در نیمکره جنوبی یافت می‌گردند.

گیاهان تیره بنفشه، برگهای متناوب و گل‌هایی نر- ماده، نامنظم و به وضع منفرد یا مجتمع دارند. هر گل آنها دارای ۵ کاسبرگ، ۵ گلبرگ و ۵ پرچم است. از اختصاصات آنها این است که یکی از گلبرگ‌های آنها، دنباله‌ای دراز یا کیسه‌ای شکل دارد. مادگی آنها شامل تخمدانی فوقانی، مرکب از ۲ تا ۳ پرچه (معمولاً ۳ پرچه) و محتوی تخمکهای متعدد با تمکن جانبی است. میوه آنها پوشینه و بندرت سته است.

۱- وجود لادن و لادانیول که در گیاهان مذکور، ذکر گردیده در غالب کتب داروئی

انعکاس ندارد.

گونه‌های داروئی آنها را منحصراً چند نوع *Viola* تشکیل می‌دهد که آنهم بیشتر در طب عوام مورد استفاده قرار می‌گیرند.

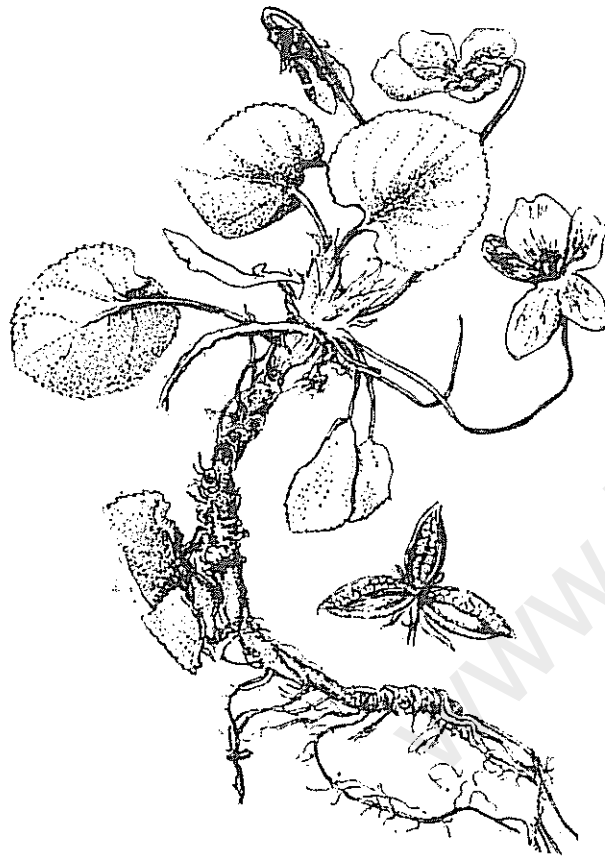
Viola odorata L.

فرانسه: *Violette de Carême* ، *Violette des haies* ، *Violette odorante* ؛

انگلیسی: Sweet-Violet ، آلمانی: *März Veilchen* ، *Wohlrichend veilchen* ؛

ایتالیایی: *Viola odorosa* ، *Viola - zapa* ، *Viola mammola* ، *Violetta* ؛

فارسی: بنفشه ، بنفشه معطر - عربی: بنفسج

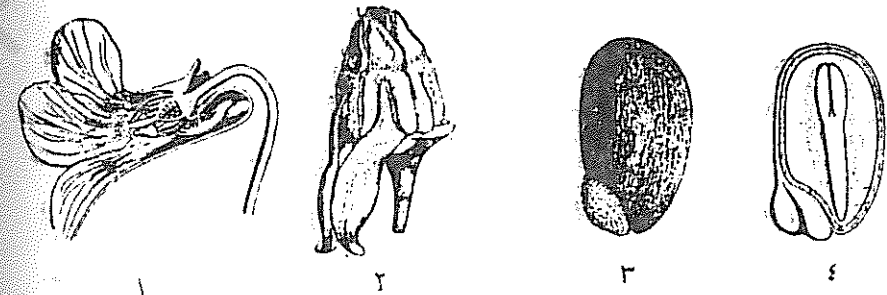


ش ۸ - *Viola odorata*: گیاه کامل (اندازه طبیعی) - میوه باز شده و نمایش دانه

گیاهی علفی، پایا و دارای برگ‌هایی است که عموماً از منحل مشترکی در ناحیه یقه‌خارج می‌گردند. برگهای آن عموماً قلبی شکل، دارای دمبرگ دراز و واقع بر روی سطح زمین است زیرا

ساقه‌هوائی مشخص که برگها بر روی آن واقع باشند در این گیاه وجود ندارد. در کنار دمبرگ آن، جوانه‌های جانبی ظاهر می‌گردد و نمواتها غالباً ایجاد گیاه علی‌جده‌ای می‌نماید که با گیاه اصلی همواره در حال ارتباط است. گل‌های آن منفرد، زیبا، به رنگ بنفش، بندرت سفید یا گلی و معطر است. دسگل‌های دراز گل، که از بین دمبرگ‌ها متشامی‌گیرند، قبل از منتهی شدن به گل، حالت خمیده شبیه به عصا پیدا می‌نمایند. میوه‌اش پوشینه، کروی، پوشیده از کرک و محتوی دانه‌هائی به رنگ زرد بالکه سفید رنگ است.

بنفشه معطر، در اماکن مرطوب و سایه دار غالب نواحی اعم از دشت‌ها یا جنگل‌ها و یا دامنه‌های کم ارتفاع و حتی در ارتفاعات زیاد مخصوصاً در زیر سایه درختان و ویلای تخته سنگها می‌روید. گل‌های زیبا و معطر آن در اوایل بهار ظاهر می‌گردد. از اختصاصات آن این است که در تابستان، گل‌هائی عاری از گلبرگ در بین دمبرگ‌های آن ظاهر می‌شود که همیشه به حالت سفیدی در آن باقی می‌ماند. انسان به علت استفاده از این گیاه و یا پرورش آن در نواحی مختلف، تأثیر زیاد در پراکنندگی خارج از حد گیاه داشته است.



ش ۸۱ - *V. odorata* : ۱- برش طولی گل، ۲- گل عاری از پوشش
۳ و ۴- دانه و برش طولی دانه

در اوایل بهار، زنبور عسل نوش کافی از آن بدست می‌آورد. قسمت مورد استفاده بنفشه معطر، گل، برگ، ریشه، دانه و حتی تمام قسمت‌های گیاه کامل است.

توکینات شیمیائی - بنفشه معطر دارای موسیلاژ، اسیدسالیسیلیک و یک ماده ملون به رنگ آبی است که سریعاً فاسد می‌شود. این ماده اگر تحت اثر اسیدها قرار گیرد، رنگ قرمز تولید می‌کند. در حالتی که قلیائیات آنرا به رنگ سبز درمی‌آورد. بنفشه معطر علاوه بر مواد مذکور، دارای مقدار بسیار کمی اسانس بابوی مطبوع و ماده‌ای به نام **ویولین** *violine* است که اثری شبیه **emetine** دارد.

برگ آن دارای مقدار کمی آنتوسیانین *anthocyanine* است.

تاریخچه - بنفشه معطر و بسیاری از اختصاصات درمانی آن، از قدیم‌الایام مورد شناسایی مردم زمانهای خیلی قدیم بوده است. طرفداران مکتب بقراط، در قرون ۷ و ۸ میلادی از آن در مداوای بیماریها استفاده بعمل می‌آوردند. دیوسکورید (در قرن اول) معتقد بود که این گیاه، طبیعت سرد دارد و برگ آنرا در رفع ورم چشم موارد مختلف دیگر مؤثر می‌دانسته است. ایرانیان و اعراب در قرون وسطی به صفات درمانی آن کم و بیش واقف بوده‌اند.

Mesué (در قرن ۱۲)، مصرف آنرا به حالت تازه در دفع صفرا و رفع التهاب‌ها و همچنین معالجه درد گلو، مؤثر ذکر نموده برای آن اثر تسکین دهنده حالت تشنگی قائل بوده است. *Matthiolo* (سال ۱۵۵۴)، برای شربت بنفشه، اثر ملین قائل بوده است. *Boullay* (سال ۱۸۲۳) از تمام قسمت‌های گیاه، ماده‌ای با اثر قوی آور تهیه کرد که به آن *Violine* نام نهاد. با پیدایش این ماده، مصرف اینکا بین مردم رواج خود را تدریجاً مخصوصاً در طب اطفال از دست داد.

خواص درمانی - گل بنفشه دارای اثر نرم کننده، خلط‌آور ضعیف و معرق است.

گل بنفشه، در طب عوام مصارف فراوانی در بیماریهای مختلف دارد. از گل‌های خشک شده آن گیاهانی نظیر ختمی، پیرک، شقایق، *Antennaria dioica* Gaertn.، *Tussilago Farfara* L. و *Verbascum Thapsus* L. به نسبت مساوی، مخلوطی بدست می‌آورند که دم کرده پنج در هزار آن (کدکس)، در رفع بیماریهای سینه بکار می‌رود.

دم کرده گل بنفشه در رفع گریپ، برونشیت‌های حاد، گلودرد، نزله‌های مزمن و بطور کلی بیماریهای سینه، التهاب دستگاه هضم، کلیه و مثانه بکار می‌رود. مصرف آن در بیماریهای مملک، سرخک و بطور کلی در تب‌های دانه‌ای معمول است.

شیره تازه گل بنفشه، اثر ملین دارد و سابقاً در بیماریهای اطفال به صورت شربت به عنوان ملین و برای رفع سیه‌سرفه، زکام، بیماریهای حاد سینه و در فک (*Aphite*) بکار می‌رفته است ولی امروزه به اندازه سابق مصرف نمی‌گردد.

مطالعات *D. J. Brel* نشان داده است که این شربت، اثر خلط‌آور قوی نیز دارد.

برگ بنفشه، اثر نرم کننده دارد و از آن لوسیون‌هائی تهیه می‌شود که جهت رفع تحریک التهاب اعضای خارجی، ورم چشم و همچنین به صورت تنقیه برای رفع تحریکات روده مورد استفاده قرار می‌گیرد. شیره تازه برگ آن به مقدار ۶ گرم، اثر مسهلی دارد.

همیشه بنفشه، دارای اثر قوی آور است و می توان از آن به جای ایپکا در بیماریهای اطفال استفاده بعمل آورد. پس از مصرف آن، مخاط دستگاه هضم تحریک گردیده، حالت تهوع و استفراغ پیش می آید (K. Kahnt در سال ۱۹۰۶).

پزشکان آلمان، از تمام قسمت های گیاه جوشانده ای تهیه می نمودند که از آن برای رفع سرفه (مخصوصاً در بیماریهای اطفال)، ضیق نفس و سیاه سرفه استفاده بعمل می آمد. بعلاوه چنین شهرت دارد که سابقاً از تمام قسمت های گیاه در رفع سرطان استفاده بعمل آورده و حتی نتایجی هم بدست می آورده اند.

بنفشه معطر، در صنعت از نظر تهیه اسانس، حائز اهمیت فراوان است.

مصرف دم کرده بنفشه در طب ایرانی جهت رفع ناراحتی های سینه و به عنوان نرم کننده و معرق بین مردم عمومیت دارد.

نسخه جهت رفع سرفه - نرم کننده سینه

دم کرده گل های خشک شده بنفشه، مخلوط با گل های ختمی، شقایق و پینرک به مقدار نصف قاشق غذاخوری از هر یک در نیم لیتر آب و بمقدار ۳ فنجان در روز مصرف دارد.

در نواحی شمالی ایران، مردم کوه پایه نشین عمارلو و بطور کلی منطقه گیلان، بطوریکه نگارنده ضمن جمع آوری گیاهان دارویی این نواحی، متوجه آن گردید. گل های گیاهان مذکور را هنگام علف چینی (جمع آوری گیاهان علفی یک ناحیه بمنظور تهیه علوفه خشک) جمع آوری نموده و پس از خشک کردن، جهت تهیه دم کرده ای از ۲ یا ۳ ویا هر نوع گیاه مذکور برای رفع سرفه و ناراحتی های سینه، به مقداری که ذکر گردید مصرف می نمایند (مؤلف در سالهای ۱۳۴۵-۱۳۴۸). دقت در فرمول مذکور نشان می دهد که اسپس پکتورال کدکس (Espèces pectorales)، به مجموعه گل های خشک شد ۷ گیاه اطلاق می گردد که چهار نوع آن همان ۳ گیاه مذکور و ۳ نوع دیگر آن بشرح زیر است:

۱- Antennaria dioica Gaertn.	از تیره	Compositae
۲- Tussilago Farfara L.	«	«
۳- Verbascum Thapsus L.	«	Labiatae

از ۷ گیاه مذکور، دم کرده ای به نسبت ۵ در هزار به طوری که در کدکس ذکر گردیده جهت رفع ناراحتی های سینه و درمان سرفه تهیه می شود که خود مشابهت نسخه مذکور را با اسپس پکتورال کدکس نشان می دهد و چه بسا که در بعضی از نواحی ایران، از ۳ گیاه اخیر نیز که هر سه تائی آنها در کشور ما پراکنده دارند، به تنهایی و یا توأم با بعضی از گل های چهارگانه مذکور استفاده در سانی بعمل آید.

صورت دارویی - دم کرده ۱۵ تا ۳۰ در هزار گل های خشک بنفشه به مقدار یک فنجان در هر دفعه و چند مرتبه در روز در فاصله بین هر دو غذا بمنظور رفع ناراحتی های سینه و به عنوان ملین - شربت بنفشه به مقدار ۱۵ تا ۶ گرم در روز و یک قاشق قهوه خوری برای اطفال (این شربت از دم کردن ۱۰۰ گرم گل بنفشه تازه در یک لیتر آب و افزودن ۱۰۰ گرم قند که مدت دم کردن ۱۲ ساعت بطول انجامد تهیه می شود) - شیر برک تازه بنفشه به مقدار ۱۰۰ گرم به عنوان مسهل و جوشانده ۸ تا ۱۲ گرم ریشه بنفشه در ۱۰۰ گرم آب به عنوان تی آور و مسهل مصرف می شود. برای این کار باید عمل جوشیدن، به سلاست و به مدت طولانی صورت گیرد بطوری که محلول، به ۲/۳ مقدار اول تقلیل یابد. به محلول حاصل باید قند اضافه کرد و در یک دفعه مصرف نمود. این جوشانده بیشتر اثر مسهلی دارد یعنی اثر قوی آورد آن چندان قابل ملاحظه نیست در حالی که اگر از گرد ریشه استفاده بعمل آید، اثر قوی آور، قوی تر ظاهر می شود - گرد ریشه بنفشه نیز به عنوان تی آور و به مقدار ۱ تا ۴ گرم مخلوط در آب قند و یا در یک جوشانده رقیق مصرف دارد.

دانه بنفشه معطر، به مقدار ۶ تا ۱۰ گرم، اثر ملین در اطفال دارد. مصرف ۱۲ تا ۱۵ گرم آن در ۱۰۰ گرم آب، اثر مسهلی ملایم ظاهر می کند.

در استعمال خارج، برگ بنفشه پخته شده در آب، به صورت ضماد برای رفع ترک و خراش پستان و یاله شده برگ تازه بنفشه برای درمان آنها، اثر معالج دارد.
بهداشت پوست:

دم کرده ۲ گرم برگ تازه بنفشه در ۱/۴ لیتر شیر جوشان، اثر نرم کننده پوست دست و صورت دارد. برای اینکار برگها را در شیر جوشان وارد کرده از گرمای دور می نمایند و سپس ۲ تا ۳ دقیقه بهمان حال می گذارند تا دم کنند. این محلول علاوه بر ایجاد طراوت و شادابی پوست، رنگ آنرا نیز کمی سفید می کند.

محل رویش - بنفشه معطر در بسیاری از نواحی ایران، مخصوصاً در کوهستانها و در سایه درختان می روید. در نواحی شمالی ایران، منطقه البرز، هرزویل، دامنه های مرطوب راه عمارلو، کبوترچاک، رودبار و نواحی مختلف دیگر بچشم می خورد.

Viola tricolor L. Var. arvensis Murr.

فرانسه: Pensée sauvage انگلیسی: Wild Pansy، Three colored violet

آلمانی: Stiefmütterchen، Dreifarbriges veilchen، عربی: زهرة الثالوث البری

فارسی: بنفشه سه رنگ (نام گیاه اصلی)

گیاهی است علفی و یکساله که ساقه زاویه دار، به رنگ سبز مایل به زرد و به طول ۱۰ تا ۲۵

سانتی‌متر دارد. ریشه‌اش بوی نسبتاً مطبوع و طعمی تلخ و لعابی دارد. برگهای آن متناوب، عاری از دمبرگ، بیضوی بادندانه‌های فاصله‌دار و شامل دوزائده (استیول) بابریدگی‌های عمیق است. گل‌های آن کوچک، به رنگ زرد روشن بالک‌های بنفش است.



ش ۸۲ - *Viola tricolor* : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

در بهار تا آخر تابستان، به تناسب شرایط محل رویش، گل می‌دهد.

میوه آن به صورت پوشینه و محتوی دانه‌های کوچک و متعددی با ظاهر بیضوی و به رنگ

سفید است.

گیاه اصلی واریته مذکور و همچنین بعضی از گونه‌های مجاور آنها، توانا به مصارف درمانی می‌رسند.

قسمت مورد استفاده آنها، گیاه کامل و یا گل‌های آنهاست.

ترکیبات شیمیائی - بنفشه سه‌رنگ دارای سوادنی نظیر اسید سالیسیلیک، ویولین و گلوکزیدی به رنگ زرد به نام ویولا کوئرسیترین *violaquercitrine* است (۱).

خواص درمانی - بنفشه سه‌رنگ دارای اثر معرق و خلط‌آور است. گیاه کامل، اثر تصفیه‌کننده خون، مدر، ملین و مقوی دارد ولی اگر به مقادیر زیاد مصرف شود، اثر قی آور-مسهلی ظاهر می‌کند. در طب عوام از آن برای رفع جوش‌های صورت و کلیه بیماری‌های جلدی استفاده بعمل می‌آورند. به علت خاصیت تصفیه‌کننده خون، مدر و معرق که دارد در رفع درماتوزها مانند آگزما، نپ‌خال، کهیر، دره‌الصدف (Emmery)، سوداء، زرد زخم، رفع جوش و کورک موثر واقع می‌شود. لوسیون حاصل از دم کردن ۳ گرم گیاه تازه در یک لیتر آبجوش، اثر بسیار مفید در بهبود اشت پوست صورت و شادابی آن دارد و باید به حالت نیم گرم و به صورت کمپرس مورد استفاده قرار گیرد تا اثر مفید ظاهر نماید.

صورت داروئی - دم کرده ۵ تا ۳ در هزار گل - دم کرده یا جوشانده ۲ تا ۵ در هزار گیاه کامل و یا ۳ تا ۶ در هزار گیاه خشک. عصاره آبی به صورت شربت و به مقدار ۳ گرم (مخلوط عصاره در ۵ گرم شربت ساده). از خیساندن ۸ تا ۸ گرم گیاه در ۲۰ گرم آب گرم (مدت خیساندن ۸ تا ۱ ساعت) و جوشاندن محلول حاصل و افزودن شیره و مقدار ثلث وزن آن، محلولی بدست می‌آید که مصرف آن در صبح باعث رفع آگزما و *Impetigo* می‌گردد (Cazin). شیره تازه گیاه نیز به مقدار ۵ گرم در روز مصرف دارد.

از ریشه بنفشه سه‌رنگ جوشانده‌ای به مقدار ۲ تا ۵ گرم برای هرفنجان تهیه می‌شود که به عنوان قی آور بکار می‌رود. مصرف شربت حاصل از ۳ گرم گیاه کامل، ۵ گرم آب و ۵ گرم قند بین مردم معمول است.

در بعضی کتب داروئی، صفات درمانی مذکور برای واریته *Var. arvensis Murr.* ذکر گردیده که خود به صورت گونه جداگانه *V. arvensis Murr.* درآمده است. باید دانست که واریته مذکور و گونه‌های مجاور *V. tricolor*، اثرات درمانی کم و بیش مشابه دارند.

۱- ویولا کوئرسیترین *Violaquercitrine* (روتین، روتوزید...) در محبت سداب

با *Ruta graveolens L.* شرح داده است.

محل رویش - وارسته مذکور در نواحی شمالی ایران می‌روید.

Viola sylvestris (Lam.) Reichb. گیاهی کوچکی و غلغلی و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۱ تا ۳ سانتیمتر است. برگهای بیضوی - قلبی شکل و منتهی به دم‌برگ نسبتاً دراز دارد. گل‌های آن غیر معطر، به رنگ بنفش روشن یا سبیل به آبی و میوه‌اش پوشینه و عاری از تار است. در منطقه وسیعی از آسیا، مخصوصاً نواحی شمالی آن یافت می‌شود.

خواص درمانی - به مصارف رفع ناراحتی سینه و تسکین سرفه می‌رسد. ساقه، برگ و گل آنرا پس از له کردن، بر روی زخم، جهت التیام و درمان آن اثر می‌دهند.

محل رویش - در نواحی شمالی ایران پراکنده است و علاوه در نقاط مختلف پرورش می‌یابد.

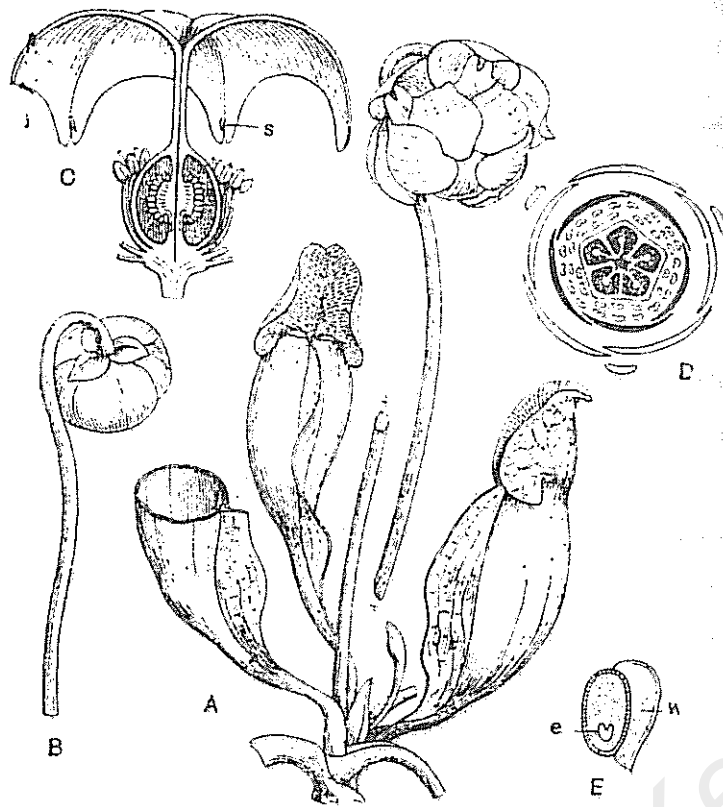
از *Viola cornuta* L. ماده‌ای به نام ویولوتین (violutine) استخراج شده است. ویولوتین (ویولوتوزید violutoside)، به فرمول $C_{19}H_{24}O_{12}$ و به وزن مولکولی ۴۴۶٫۲ است. استخراج آن از *Viola cornuta* L. و تعیین فرمول منبسط آن توسط Picard صورت گرفته است (۱). سنتز آن نیز بعداً عملی گردید (۲).

ویولوتین، به صورت بلورهای سوزنی شکل جاذب الرطوبه در مخلوط استن ۹ درجه الکلی به دست می‌آید. در گرمای ۱۷۳ درجه نیز تجزیه می‌شود (قبلاً باید حرارت داده شود تا به صورت خشک درآید). در آب به مقادیر زیادولی در الکلی به مقدار کمتر حل می‌گردد. در استن و استات اتیل، تقریباً غیر محلول می‌باشد.

از تیره *Sarraceniaceae*، گونه *Sarracenia purpurea* L. * را ذکر می‌نمائیم که دارای الکلونیدی به نام ساراسنین sarracénine است و در اتانول می‌روید. نوع دیگر آن *S. flava* L. * است که هر دو، برگ‌هایی با ظاهر مشخص دارند به طوریکه برگ‌های واقع در قاعده ساقه این دو گیاه، لوله‌ای شکل و شاح مانند است. در داخل این برگ‌ها، پس از بارندگی، مقداری آب جمع می‌شود. در این مواقع، اجساد حشرات کوچکی که در آن وارد می‌گردند پس از خیس خوردن، تدریجاً بر اثر ترشح نوعی سکرترین Secretine، جذب گیاه می‌شوند. برگ، ریشه و ریزم هر دو گیاه مذکور به مصارف داروئی مشابه می‌رسند و از آنها در گذشته، به عنوان داروی مخصوص سردردهای یکطرفه (Migraine)، دیسانتری و آبله استفاده بعمل می‌آمده است. در ایران نمی‌روید.

1 - Picard, Compt. Rend. 182, 1167 (1926).

2 - Robertson, Waters, J. Chem. Soc. (1932) 2770.



ش ۸۳ - *Sarracenia purpurea* : A : قسمتی از گیاه B - گل C - برش طولی گل عاری از پوشش D - دیاگرام E - دانه (بال W = کلاله S = جنین e)

پیگزاسه Bixaceae

گیاهان این تیره به صورت درخت یا بوته‌هایی به ارتفاع کم می‌باشند. عموماً برگ‌هایی ساده، متناوب و گل‌هایی نرساده، درشت، زیبا، مرکب از کاسبرگ، گلبرگ و تعداد زیادی پرچم دارند. میوه آنها به صورت پوشینه است. دستگاه ترشعی آنها شامل سلول‌های محتوی شیره‌ای رنگی است به علاوه در سطح خارجی اعضای هوایی آنها، سلول‌های ترشعی به صورت تارهای ترشعی مشاهده می‌گردد.

در عده از آنها مانند *Bixa* ها، مجاری مولد صمغ نیز در اعضا گیاه دیده می‌شود. پراکنندگی آنها عموماً در مناطق حاره مخصوصاً نواحی گرم امریکاست. در بین آنها